

دیوان حضرت درویشان

سراینده‌ای ناشناس با تخلص درویش

(بر اساس نسخه خطی محفوظ در کتابخانه دانشگاه لایپزیک آلمان)

مقدمه، تصحیح، تعلیقات:

دکتر محمد مصطفی رسالت‌پناهی - مژگان محمدی

عنوان قراردادی : دیوان حضرت درویشان

عنوان و نام پدیدآور: دیوان حضرت درویشان : بر اساس نسخه خطی محفوظ در کتابخانه دانشگاه لایپزیک
آلمان/اسراینده‌ای ناشناس با تخلص درویش ؛ مقدمه، تصحیح، تعلیقات محمد مصطفی رسالت‌پناهی، مؤلفان
محمدی.

مشخصات نشر: منشور سمیر، تهران، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۳۵۱-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۰ Persian poetry -- 16th century

شناسه افزوده: رسالت‌پناهی، محمد مصطفی، ۱۳۶۵. مقدمه‌نویس، مصحح

شناسه افزوده: محمدی، مؤلفان، ۱۳۶۷. مقدمه‌نویس، مصحح

رده‌بندی کنگره: PIR۵۸۵۱

رده‌بندی دیوبی: ۴/۹۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۵۳۹۱۴



■ دیوان حضرت درویشان (اسراینده‌ای ناشناس با تخلص درویش)

■ محمد مصطفی رسالت‌پناهی - مؤلفان محمدی

■ ویراستاری و صفحه‌آرایی: مینا عطایی

■ چاپ اول: ۱۳۹۹ / ۲۰۰ نسخه

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۳۵۱-۸

■ قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

■ حق چاپ محفوظ است و تکثیر کل یا بخشی از این کتاب شرعاً و قانوناً مجاز نمی‌باشد

پیش گفتار

معرفی و شناسایی نسخه‌های خطی یکی از مهمترین وظایف محققان در حوزه پژوهش‌های ادبی است. این گونه آثار به منزله شناسنامه فرهنگی، تاریخی، ادبی و قومی یک ملت است. بنابراین تصحیح و در دسترس گذاشتن آن در حقیقت ارج نهادن به هویت علمی و فرهنگی این مرز و بوم است. با این حال، نسخه‌های خطی فراوانی به زبان فارسی در گوشه و کنار جهان نهفته شده که تاکنون برای شناسایی و تصحیح آن اقدامی صورت نگرفته است و این گونه آثار در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در گوشه و کنار جهان در گمنامی قرار دارد. در کتابخانه‌ها و مراکز و مؤسسات علمی بزرگی مانند سوربن فرانسه، بادلین انگلستان و چستریتی نشانی از نسخه‌های خطی فارسی می‌توان یافت. یکی از این مراکز با دارا بودن بیش از ۷۲۳ نسخه خطی ارزنده عربی، فارسی و ترکی، کتابخانه دانشگاه لایپزیک آلمان است. این کتابخانه مشتمل بر نسخه‌های خطی قرن کلامی، هم‌چون اسماعیلیه و مانند آن فرقه‌هاست. برای نمونه در میان این مجموعه ارزنده، نسخه ارزشمند و بسیار کهنی از کتاب الزینه فی الکلمات الاسلامیه العربیه تألیف ابو حاتم رازی اسماعیلی (در گذشته ۳۲۲هـ/ ۹۳۴م) وجود دارد که ۱۶۰ سال پس از درگذشت وی، یعنی در سال ۵۴۴هـ در ایران کتابت شده است. در این مجموعه آثار نفیس دیگری در موضوعات متنوع اسلامی قابل مشاهده است. از جمله نقایس ادبی و هنری این مجموعه، می‌توان به دو نسخه نفیس و مذهب دیوان حافظ شیرازی و دیوان هلالی جغتایی اشاره نمود.

یکی از آثار ارزشمند و نفیس ادبی و عرفانی این مجموعه، نسخه منحصر به فرد از دیوانی است با عنوان حضرت درویشان متعلق به سراینده‌ای ناشناس با تخلص درویش. هدف از این پژوهش در مرحله نخست همان احیا و زنده کردن این دیوان دور از دسترس و فراموش شده است که می‌تواند ماده و منبعی برای تحقیقات مختلف ادبی، عرفانی، اجتماعی،

تاریخی، زبانی و فرهنگی در اختیار پژوهشگران این مسائل قرار دهد. اهمیت دیگر بارور ساختن ادب و فرهنگ عرفان ایرانی اسلامی است و می‌توان با شناسایی و بررسی این دیوان دریافت که سراینده آن تا چه اندازه تحت تأثیر فرهنگ عرفانی و ادب صوفیانه بوده است. لازم می‌دانیم از عزیزی که در راه تصحیح این دیوان، یاری گر و مشوق ما بودند، یاد کنیم و از آنان سپاسگزاری نماییم. نخست از استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر راستگوفر که بر شاگردان خویش منت نهادند و نکات ارزشمند و راه‌گشایی را متذکر شدند. ددیگر از دوستانی که با راهنمایی‌هایشان گوشه‌ای از مبهمات ابیات را رفع نمودند و سدیگر از ناشر محترم که نهایت تلاش خود را برای چاپ شایسته کتاب مبذول داشتند. امیدواریم این پژوهش در پیشگاه علاقه‌مندان به عرفان اسلامی و زبان و ادب فارسی مطلوب افتد و اگر عیب و قصوری در کار دیدند، ما را از راهنمایی‌های خود محروم نگردانند.

م. م رسالت پناهی

م. محمدی

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۲	معنای واژگانی و اصطلاحی درویش
۱۳	تعاریف و توضیحات عرفا و مشایخ طریقت درباره درویش و درویشی
۱۵	معرفی نسخه خطی دیوان حضرت درویشان و ویژگی‌های رسم الخطی آن
۱۷	ویژگی‌های محتوایی دیوان حضرت درویشان
۲۲	ویژگی‌های ادبی دیوان حضرت درویشان
۲۴	شیوه تصحیح دیوان
۲۹	دیوان حضرت درویشان
۳۰	قصیده
۳۱	غزلیات
۵۶	ترجیع‌بند
۶۳	مقطعات
۷۸	رباعیات
۹۲	مثنوی‌ها
۱۱۱	ساقی‌نامه
۱۱۵	تعلیقات و توضیحات
۱۳۱	فهرست آیات و احادیث
۱۳۳	فهرست اعلام
۱۳۶	فهرست منابع

روضه خلد برین خلوت درویشان است

مایه محتشمی خدمت درویشان است

معنای واژگانی و اصطلاحی درویش

هر چند که معنای واژگانی این کلمه چندان مشخص نیست، تلاش‌هایی برای معنی کردن این واژه صورت گرفته است. بعضی گویند کلمه درویش در اصل درويز بود، زا را به شین معجمه بدل کرده‌اند و درويز در اصل در آویز بوده به معنی آویزنده از در، چون گدا به وقت سؤال از درها می‌آویزد، یعنی درها را می‌گیرد، لهذا گدا را درویش گفتند. بعضی محققان نوشته‌اند که درویش در اصل دریوز بود در میان یاء و واو قلب مکانی کردند درويز شد، بعد زاء را به شین بدل کردند و یوز صیغه امر است از یوزیدن که به معنی جستجو کردن است و چون اطلاق این لفظ بر خدا رسیدگان گوشه‌نشین صادق نمی‌آید و زیبا نمی‌نماید، لهذا فقیر صاحب معرفت را به جهت تمیز درویش به ضم دال باید گفت، در این صورت مرکب باشد از دُر که به معنی مروارید است و ویش که در اصل واش بود مزید علیه وش که کلمه تشبیه است. (غیاث‌اللغات)

واژه فارسی درویش در معنای عام به کسی گفته می‌شود که به اندک مال دنیا قانع و خرسند باشد. در اصطلاح گروهی از متکدیان و دوره‌گردان با هیتی خاص که در نظر عامه از اهل طریقت و صاحب احوال و دارای مقامات معنوی محسوب می‌شوند. (دانش‌نامه جهان اسلام، ذیل درویش)

در متون کهن فارسی واژه درویش و مترادف عربی آن فقیر به معنی «سالک» و «صوفی» به کار رفته است. در متون عرفانی فارسی بر اساس اهمیت فقر و بی‌چیزی در نظر عرفا، از درویشی و درویشان سخت تمجید شده است. از دوره صفویه به بعد اندک اندک در زبان فارسی واژه درویش جایگزین واژه صوفی گردید، چنان که امروزه در محاوره فارسی‌زبانان

ایرانی واژه صوفی نسبتاً منسوخ گردیده است و درویش به جای آن به کار می‌رود.
(دایرةالمعارف تشیع، ذیل درویش)

در غرب ایران بین مردم کرد فقرای قادری و نقشبندی وجود دارند. فقرای نقشبندی را که بیشتر متشع و متمکن‌اند، صوفی می‌گویند و فقرای قادری را که بضاعت مالی چندانی ندارند و بیشتر اهل وجد و حال و سماع‌اند، درویش خطاب می‌کنند. (فقر و فقیر، ص ۴۴)
امروزه در ایران عموم مردم گذشته از خاکساریه، دیگر پیروان سلسله‌های صوفیان از جمله نعمت‌اللهیه و ذهییه و قادریه را نیز به جای صوفی، درویش می‌نامند.

تعاریف و توصیفات عرفا و مشایخ طریقت درباره درویش و درویشی

ابوالحسن خرقانی گوید: «درویش کسی بود که او را دنیا و آخرت نبود و نه در هر دو نیز رغبت کند که دنیا و آخرت از آن حقیقتی است که ایشان را با دل نسبت بود.» (تذکره الاولیا، ص ۶۰۶)

«یحیی بن معاذ را گفتند: درویشی چیست؟ گفت: آنکه به خداوند خویش از جمله کائنات توانگر شوی.» (همان، ص ۳۲۴)

«از ابو حفص حداد پرسیدند: درویشی چیست؟ گفت: به حضرت خدای تعالی شکستگی عرضه کردن.» (همان، ص ۳۴۶)

پیر هرات گوید: «درویش هیچ جای نشیند و هیچ چیز او را نشانند. (مجموعه رسائل خواجه عبدالله انصاری، ص ۳۶۸)

«از درویشان دو نشان مانده است و بس: آب در دیده، آتش در نفس.» (همان: ص ۳۸۰)

«درویش آب در چاه دارد و نان در غیب، نه پندار در سر و زر در جیب.» (همان: ص ۴۱۹)

ابوبکر همدانی گفت: «درویشی سه چیز است: طمع و منع و جمع. طمع به چیز کسی ناکردن و اگر چیزی به سر تو آرند، رد ناکردن و چون ستانی، جمع ناکردن.» (طبقات الصوفیه، ص ۵۱۳)

«شیخ ابو عبدالله رودباری گفت: درویشی کبر مرد برد.» (همان، ص ۵۵۳)

ابوسعید ابوالخیر گوید: «درویشان نه ایشان‌اند، اگر ایشان، ایشان بودندی ایشان نه درویشان بودندی. اسم ایشان صفت ایشان است. هر که به حق راه جوید، گذرش بر درویشان باید کرد که در وی ایشانند.» (اسرار التوحید، ج ۱، ص ۲۹۵)

نسفی می‌گوید: «پیغمبر ما علیه‌السلام درویشی اختیار کرده است، از جهت آنکه خاصیت‌های درویشی و توانگری را دیده و دانسته است و با اتم می‌گوید که هر که راحت و آسایش می‌خواهد در دنیا و آخرت، باید که درویشی اختیار کند، و هر که تفرقه و پراکندگی و بلا و عذاب می‌خواهد در دنیا و آخرت، باید که توانگری اختیار کند. درویشی یک عیب دارد و هنرهای بسیار و توانگری یک هنر دارد و عیب‌های بسیار، اما آن یک عیب درویشی ظاهر است و هنرها پوشیده، و آن یک هنر توانگری ظاهر است و عیب‌ها پوشیده. مردم آن‌چه ظاهر است می‌بینند و آن‌چه پوشیده است نمی‌بینند. توانگر بعد از چند سال که زحمت‌های گوناگون از توانگری کشیده باشد، و در بلاها و فتنه‌ها افتاده بود، آن گاه به یقین بداند که توانگری محنت بزرگ و درویشی نعمت عظیم است.» (انسان کامل، ص ۳۲۹)

سعدی گوید: «ظاهر درویشی جامه ژنده است و موی سترده و حقیقت آن دل زنده و نفس مرده.» (کلیات، ص ۱۲۹)

در مثنوی و سایر آثار مولانا درویش از لحاظ لغت به معنی گدا و تنگ‌دست است، اما در اصطلاح درویشی به معنی دریوزگی و گدایی نیست، بلکه درویش کسی است که ترک دنیا و عوارض آن کرده باشد و در قبال ناملایماتی که نتیجه این ترک است، صبر و تأمل و

شکیبایی و خرسندی یافته است تا از ثمرات آن بهره‌مند شود. افلاکی از قول شمس تبریزی آورده است که: «چهار چیز عزیز است: یکی توانگر بردبار، و درویش خرسند، و گناهکار ترس کار، و عالم پرهیزگار. هر که توانگری جوید، درویشی نماید و هر که در درویشی صبر کند، به توانگری رسد.» (مناقب العارفين، ص ۶۵۵)

حافظ نیز در غزلی شناخته‌شده و معروف به ستایش از درویشان پرداخته است، چنان که حاج ملا هادی سبزواری به استقبال از آن غزل می‌سراید:

جام جم مظهر اعظم دل درویشان است	نخبه جمله عالم دل درویشان است
طاعت و زهد ریایی همه بی‌حاصلی است	به جز از عشق که آن حاصل درویشان است
نقد عالم همه قلب است ولی نقد صحیح	کیمیای نظر کامل درویشان است
آتش آن نیست که در وادی ایم زده اند	آتش آن است که اندر دل درویشان است
بی‌نیاز از دو جهان زنده جاوید شود	هر که از فقر و فنا بسمل درویشان است
بگذر از مرحله ریب و ریا ای سالک	رو به صدق آن که سرمزل درویشان است
آن مغاکی که بود کوی خموشان نامش	دانی البته که او محفل درویشان است

(دیوان حاج ملا هادی سبزواری، ص ۴۲-۴۳)

معرفی نسخه خطی دیوان حضرت درویشان و ویژگی‌های رسم الخطی آن

این نسخه منحصر به فرد به شماره B.or.032 در کتابخانه دانشگاه لایپزیک آلمان نگهداری می‌شود و ۱۷۹ صفحه دارد و هر صفحه حدود یازده بیت را در خود گنجانده است. ایات در نسخه جدول‌بندی و به خط نستعلیق شکسته نگارش یافته است. آغاز نسخه با سرلوح زرین: تدلی قرب حق تا عبد و عکس آن تدلی دان/ اگر باور نمی‌داری ز قرآن آیتی برخوردار. پایان نسخه: کعبه رویش چو دیدی در نماز/ از خم گیسوش هم ز نار ساز. این دیوان مشتمل بر ۱ قصیده، ۶۵ غزل، ۱ ترجیع‌بند نسبتاً مفصل عرفانی، ۸۱ قطعه، ۹۲ رباعی و

۷ مثنوی کوتاه و بلند عرفانی است. در پایان نسخه چند مهر دایروی شکل وجود دارد که به احتمال زیاد متعلق به مالک نسخه است. بر روی یکی از این مهرها عبارت «خاک پای علی، عبدالرحمان بن علی خان» درج گردیده است.

با توجه به ویژگی‌های نگارشی نسخه و چند قرینه ظاهری که در ماده تاریخ‌ها وجود دارد، می‌توان احتمال داد که این دیوان متعلق به سراینده‌ای درویش مسلک در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازده است که بسیار تحت تأثیر حدیقه سنایی و مثنوی معنوی مولانا بوده است. بعضی از ویژگی‌های رسم الخطی نسخه:

- نسخه در بیشتر موارد به جای گاف از کاف استفاده کرده است.

- زیر حرف ی در بیشتر موارد دو نقطه گذاشته، همان‌طور که زیر حرف سین، سه نقطه گذاشته است.

- رسم الخط غیر عادی واژه‌ها و کلمات در بیشتر موارد به جای خدا، نشئه و برادر به ترتیب خدا، نشأه، برادر ضبط کرده است.

- ی به جای کسره: گر طلبکاری عشقی ای درویش

- یای تنکیر را در کلمات مذیل به یاء نوشته است. خود به یک رنگی برآر چو یار = یک رنگی ای

- پ به جای به: چون تو را یار پی تو می‌خواهد

- چه به جای چو: از لعل لب یار چه شد آب حیات